

بخارا - مدرسه میرعرب

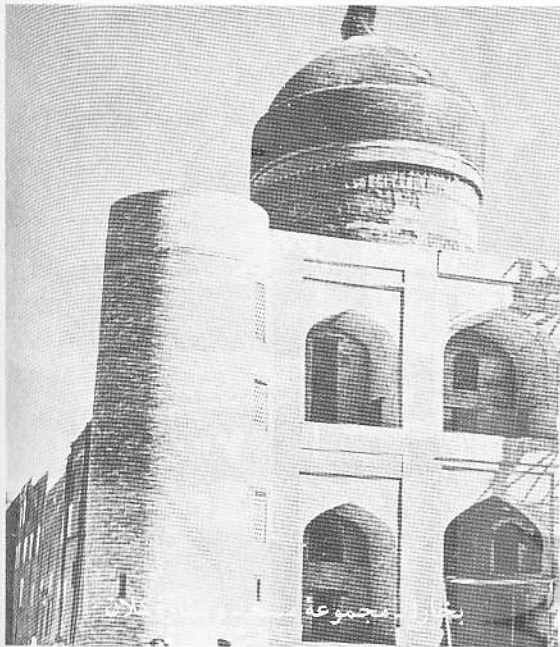
پروفیسور اعلاخان افصح زاد (تاجیکستان)

برگردان از خط سریلیک به فارسی: میرزا شکورزاده

ارمغان ارزنده

آشنائی با یک دردانهٔ دریای فرهنگ ایرانی فرامیخواند. علم، بیگانه با مرز و حدود است. به ویژه علم متن‌شناسی که آثار آن مخصوص یک سرزمین و یک عده مردم و زمان معینی نیست بلکه به درد نسلهای آینده نیز خواهد خورد. گذشته از این، ایران و افغانستان و تاجیکستان سه شاخ نیرومند یک درخت عظیمند و بهتر میبود اگر نشر این گونه آثار به تعداد بیشتر انجام می‌پذیرفت تا در دسترس تشنگان علم هر سه کشور همزبان و همکیش قرار میگرفت. فرزندان ایران در اجرای این امر کوشایند و سالهاست زحمت آن را میکشند، اما افغانستانیان و تاجیکستانی‌ها به نسبت سهم کمتری دارند. بطوری که قبلاً ذکر شد، «مقامات جامی» عبارت از سه

چندی پیش کتاب «مقامات جامی» را که پی کوشش جناب «نجیب مایل هروی» با دیباچه و تصحیح و تعلیقات سال ۱۳۷۱ از جانب انتشارات «نی» تهران در سه هزار عدد به نشر رسیده، گیر آوردم، گرچه بنده از موجودیت دو نسخهٔ این اثر در دوشنبه و تاشکند آگاهی داشتم و بارها آن دو نسخه را مطالعه کرده بودم، نشر تهرانی آن موجب خوشحالی من گشت، زیرا تهیهٔ چاپ از جانب یک پژوهشگر، ارزش ویژه‌ای را داراست. عالم زبان‌شناس تاجیک مرحوم «سلطان واحدوف» سالها پی اجرای این امر خیر بود، ولی متأسفانه عمر بدو وفا نکرد. نشر اثر مذکور بعنوان ارمغان ارزنده‌ای به پژوهشگران ایران و افغانستان و تاجیکستان پیشکش گردید که هواداران ادب پارسی را به



سیم
است»
بخش رنگین و
یرانیان به ویژه
میکنند.

بخش شرف نگشته ام ولی
از آب زلال هریوا و رود
رس آن را لیسیده ام و با مردان
م. در عالم پندار من، هرات صورت
ست که همواره از زیر خاکستر و انحرگ
ره احیا میگردد، به پرواز می آید و ارتفاع
بلندی فرهنگ آن مرزوبوم است. و این بخش
از دیباچه واسطه احیای آن مرغ سمندر اندر اندیشه بنده بود
که در حال بال زدن است و مقصدش قله های بلندند.

بخش «هرات عهد تیموری یا ایتالیای عصر رنسانس»
بعنوان دنباله منطقی بخش نخست، نماد علم و فرهنگ و هنر
و تفکر و اوضاع تعلیم و تربیت، تجارت و خانقاه، و مساجد
شهر را با تمام شکوه و عظمت و تابش کامل رنگها ترسیم
کرده است. و همان جا از جانب آقای نجیب هروی ذکر
رفته از آن که ویراستار «صنایع البدایع» سیفی بخارائی پدر
بزرگوار ایشان جناب مایل هروی بوده اند. این خیر شخصاً
برای بنده حکم نوید را داشت و چه نوید خوش و جالبی.
قابل تذکر است که مدرک راجع به مجنون رفیقی تازه
مکشوف مییاشد.

بخش دوم دیباچه که عبارت از تذکرات «مقامات
جامی»، «ارزش مقامات جامی» و «مؤلف مقامات جامی»
میباشد، بکلی به شیوه علمی و پژوهشی انشاگردیده، تأکید به
ارزش و موقعیت اثر «عبدالواسع نظامی» در علم
تاریخننگاری سده نهم هجری دارد. اینجا نگارنده با استفاده
از اسناد معتمد ثابت میسازد که جامی نابغه دوران خود
محسوب میشد و در کوره مبارزات و تلاشهای تفکری قرار

گرفته، دور از تعصب مردم را به صلح و آشتی، کمک رسانی
و مظلوم نوازی و دانش اندوزی فرامیخواند. توسط نوشته
آقای نجیب هروی چهره محبوب جامی عارف، ادیب
انسان پرور و متفکر ورزیده پیش نظر هویدا میگردد.

بخش سوم، اطلاعات متن شناسی بوده خواننده را با
زمینه های خطی اثر، شاخصه های نسخ موجود، و روش کار
ناشر در تهیه متن آشنا مینماید. شیوه کار آقای هروی از آن
جهت برابم خوش آیند بود که به استفاده از یک مأخذ اکتفا
نمی ورزد بلکه با ایجاد جُنکی از نسخه های گوناگون به متن
نسخه اصل دخالت میکند که بنده نیز در فعالیت
متن شناسی ام همیشه پیرو همین شیوه بوده ام.

متن «مقامات جامی» را آقای نجیب هروی با کمال
دقت، موشکافانه و با سلیقه بلند علمی حاضر کرده برای
درک مطالب و نکته های جالب و مفاهیم خاص و واقعه و
حادثه های جداگانه و امثال اینها هرکدامی را با عنوانی
تمتایز ساخته است که این اسلوب، مضمون و محتوای اثر را
روشن جلوه میدهد، مثل «بیان سلسله نسب جامی»، «واقعه
مولانا فخرالدین لرستانی»، «انتقال مولوی به دارالملک

هرات»، «نقد و نظر جامی بر آثار کمال الدین شیخ حسین»، «نظر و نقد محمد جامی درباره دانشمندان عصر خود»، «وقایع سیدعلی هاشمی و شاهزاده عبداللطیف میرزا»، «مباحثه علما در علوم دینی»، «رفتن جامی به سمرقند و قصد دیدار محمد بخاری نقشبند»، «چگونگی سیر و سلوک جامی»، «وصول مولوی به خطه بغداد و وقایعی که در آن ولایت روی داد»، «حکایت پیر جمال» و غیره.

عبدالواسع نظامی علاوه بر نگارش زندگی روزانه جامی به افکار و عقاید و دفاع مولانا از مسلک و مذهب اهل تسنن اهمیت زیادی قایل است. بررسی نظر جامی در مورد پایه دانش و مقام والای علمی و فرهنگی و عرفانی علی قوشچی، دواکی، جرجانی، تفتازانی، رکن الدین خوافی، ابن العربی، جلال الدین بلخی و امثال ایشان برای درک جریانهای فکری و تلاشهای اندیشه ای قرن او ارزش ویژه ای را داراست. عبدالواسع نظامی این نکته ها را مفصلاً بقلم میدهد.

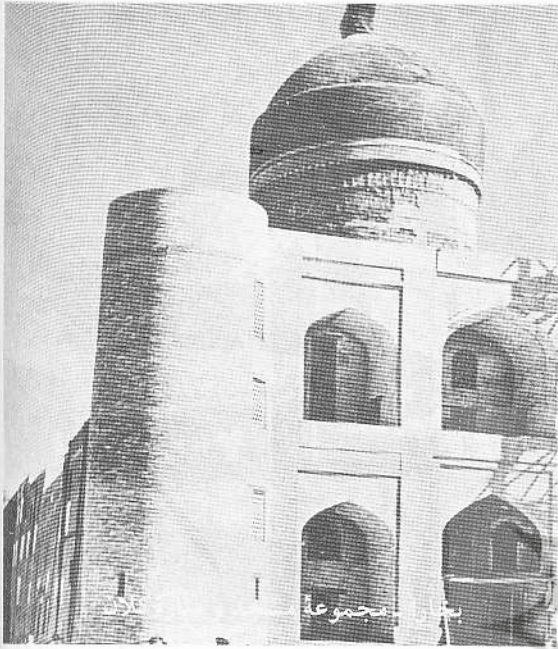
فصلهای «مباحثه علمای مدارس هرات در علوم دینی»، «نقد و نظر صوفیان دانشمند از ایمان فرعون و غلبه جامی»، «نقد و نظر جامی درباره رأی معتزله در خصوص رؤیت عقیده جامی را درباره تقویت دین، شعر و شاعران، اصالت انسان، مبحث وجود و غیره روشن میسازند. و فصلهای «آمیختن شرع محمدی به صورت چنگیز توسط کمال الدین شیخ حسین»، «آمیختن شرع محمدی بایرغوی مغولی» و مانند آن شاهد برآند که مولوی در پشتیبانی از راستی، شرع و نفع عامه از چیزی بیم نداشته، مناسبت او با حاکمان، عاری از هرگونه تملق و چاپلوسی بوده است ارتباط جامی با اهل علم، عرفا و دانشجویان و مردم ستمدیده مورد تأکید اثر عبدالواسع نظامی قرار گرفته است و از جانب آقای نجیب هروی نیز با عناوین ویژه ای از هم تفکیک شده اند.

راجع به سودمندی اثر آقای نجیب هروی می توان صفحه های زیادی پرکرد. این همه گواه بر آن است که

ایشان فرزانه ای ورزیده و کوشا و جدی و مجربند. از بخت بد ما به سایر آثار آقای هروی دسترسی نداریم. آشنائی با نوشته های ایشان باعث خرسندی ما و موجب وسعت پذیرفتن روابط فرهنگی تاجیکستان و ایران و افغانستان میگردد.

نخستین پژوهشگری که از موجودیت نسخ دستنویس «مقامات جامی» عبدالواسع نظامی مژده داده و از آنها استفاده به عمل آورده بود جامی شناس ورزیده شوروی «یوگنی ادواردویچ برتلس» Yergeny Eduardovich Bertels میباشد. او برای اولین بار در رساله «جامی» خود (چاپ دوشنبه، ۱۹۴۸) بخاطر روشنی انداختن به شرح حال و تعیین آثار عبدالرحمان جامی اطلاعات عبدالواسع نظامی را مورد کاربرد قرار میدهد. سپس مواد «مقامات مولوی جامی» در نوشته های عبدالنبی ستارزاده، سلطان واحدوف، کمینه (دکتر افصح زاد) و دیگران به طور وسیع استفاده شدند. اما ما تنها از وجود دو نسخه آن یعنی نسخ دوشنبه و تاشکند آگاه بودیم. و بنده شخصاً آشنائی ام را با نسخه سمرقندی «مقامات مولوی جامی» مدیون آقای نجیب هروی هستم که در تهیه متن از آن استفاده فراوانی شده است. «عقلها را عقلها یاری دهند».

یکی از بخشهای ارزشمند «مقامات جامی» فصل «تعلیقات و ارجاعات» است. همانا بخش مزبور نمایانگر تسلط علمی ناشر است. ناشر محترم در این بخش به توضیح نکته های ناروشن متن کوشیده با کمال دقت آیات قرآن، احادیث نبوی و منابع اشعار، گفتار شخصان (شخصیت های) تاریخی، هویت آدمانی (آدمهائی) را که ذکرشان در متن رفته است معین نموده و به این طریق به ارزش علمی کتاب افزوده است. خود این بخش حکم یک پژوهش جداگانه ای را داراست. شرح واژه ها و عبارات و جمله های عربی، فهرست آیات قرآن، فهرست احادیث و اخبار و اقوال، فهرست ابیات به ویژه فهرست واژگان معارف دینی و عرفانی، نظام دیوانی و اجتماعی و نوادر



بخش است - دیباچه، متن و تعلیقات. دیباچه خوب اثر را هم که به قلم آقای هروی تعلق دارد میتوان به سه بخش تقسیم کرد: بخش اول به نام «مگو هرات خموش و بی زبان است» با آهنگ افسوس و ندامت و با سوز و گداز از تاریخ رنگین و مقام والای هرات در تمدن خراسان و عموم ایرانیان به ویژه در عهد شاهرخ و حسین بایقرا حکایت میکند.

هرچند بنده به دیدار هرات مشرف نگشته ام ولی تصوراً در خیابانهای آن گام زده‌ام، از آب زلال هریوا و رود انجیل نوشیده‌ام، خاک مدارس آن را لیسیده‌ام و با مردان خیرد آن همنشست بوده‌ام. در عالم پندار من، هرات صورت مرغ سمندری را داراست که همواره از زیر خاکستر و اخگر پرمیکشد و دوباره احیا میگردد، به پرواز می‌آید و ارتفاع آن نمایانگر بلندی فرهنگ آن مرزوبوم است. و این بخش از دیباچه واسطه‌احیای آن مرغ سمندر اندر اندیشه بنده بود که در حال بال زدن است و مقصدش قله‌های بلندند.

بخش «هرات عهد تیموری یا ایتالیای عصر رنسانس» بعنوان دنباله منطقی بخش نخست، نماد علم و فرهنگ و هنر و تفکر و اوضاع تعلیم و تربیت، تجارت و خانقاه، و مساجد شهر را با تمام شکوه و عظمت و تابش کامل رنگها ترسیم کرده است. و همان جا از جانب آقای نجیب هروی ذکر کرده‌ام که ویراستار «صنایع البدایع» سیفی بخارائی پدر بزرگوار ایشان جناب مایل هروی بوده‌اند. این خیر شخصاً برای بنده حکم نوید را داشت و چه نوید خوش و جالبی. قابل تذکر است که مدرک راجع به مجنون رفیقی تازه مکشوف میباشد.

بخش دوم دیباچه که عبارت از تذکرات «مقامات جامی»، «ارزش مقامات جامی» و «مؤلف مقامات جامی» میباشد، بکلی به شیوه علمی و پژوهشی انشاگردیده، تأکید به ارزش و موقعیت اثر «عبدالواسع نظامی» در علم تاریخنگاری سده نهم هجری دارد. اینجا نگارنده با استفاده از اسناد معتمد ثابت میسازد که جامی نابغه دوران خود محسوب میشد و در کوره مبارزات و تلاشهای تفکری قرار

گرفته، دور از تعصب مردم را به صلح و آشتی، کمک رسانی و مظلوم‌نوازی و دانش اندوزی فرامیخواند. توسط نوشته آقای نجیب هروی چهره محبوب جامی عارف، ادیب انسان پرور و متفکر ورزیده پیش نظر هویدا میگردد. بخش سوم، اطلاعات متن شناسی بوده خواننده را با زمینه‌های خطی اثر، شاخصه‌های نسخ موجود، و روش کار ناشر در تهیه متن آشنا مینماید. شیوه کار آقای هروی از آن جهت برایم خوش آیند بود که به استفاده از یک مأخذ اکتفا نمی‌ورزد بلکه با ایجاد جنگی از نسخه‌های گوناگون به متن نسخه اصل دخالت میکند که بنده نیز در فعالیت متن شناسی ام همیشه پیرو همین شیوه بوده‌ام.

متن «مقامات جامی» را آقای نجیب هروی با کمال دقت، موشکافانه و با سلیقه بلند علمی حاضر کرده برای درک مطالب و نکته‌های جالب و مفاهیم خاص و واقعه و حادثه‌های جداگانه و امثال اینها هرکدامی را با عنوانی متمایز ساخته است که این اسلوب، مضمون و محتوای اثر را روشن جلوه میدهد، مثل «بیان سلسله نسب جامی»، «واقعه مولانا فخرالدین لرنستانی»، «انتقال مولوی به دارالملک

هرات»، «نقد و نظر جامی بر آثار کمال الدین شیخ حسین»، «نظر و نقد محمد جامی درباره دانشمندان عصر خود»، «وقایع سیدعلی هاشمی و شاهزاده عبداللطیف میرزا»، «مباحثه علما در علوم دینی»، «رفتن جامی به سمرقند و قصد دیدار محمد بخاری نقشبند»، «چگونگی سیر و سلوک جامی»، «وصول مولوی به خطه بغداد و وقایعی که در آن ولایت روی داد»، «حکایت پیر جمال» و غیره.

عبدالواسع نظامی علاوه بر نگارش زندگی روزانه جامی به افکار و عقاید و دفاع مولانا از مسلک و مذهب اهل تسنن اهمیت زیادی قایل است. بررسی نظر جامی در مورد پایه دانش و مقام والای علمی و فرهنگی و عرفانی علی قوشچی، دواکی، جرجانی، تفتازانی، رکن الدین خوافی، ابن العربی، جلال الدین بلخی و امثال ایشان برای درک جریانهای فکری و تلاشهای اندیشه ای قرن او ارزش ویژه ای را داراست. عبدالواسع نظامی این نکته ها را مفصلاً بقلم میدهد.

فصلهای «مباحثه علمای مدارس هرات در علوم دینی»، «نقد و نظر صوفیان دانشمند از ایمان فرعون و غلبه جامی»، «نقد و نظر جامی درباره رأی معتزله در خصوص رؤیت عقیده جامی را درباره تقویت دین، شعر و شاعران، اصالت انسان، مبحث وجود و غیره روشن میسازند. و فصلهای «آمیختن شرع محمدی به صورت چنگیز توسط کمال الدین شیخ حسین»، «آمیختن شرع محمدی بایرغوی مغولی» و مانند آن شاهد بر آنند که مولوی در پشتیبانی از راستی، شرع و نفع عامه از چیزی بیم نداشته، مناسبت او با حاکمان، عاری از هرگونه تملق و چاپلوسی بوده است از تباط جامی با اهل علم، عرفا و دانشجویان و مردم ستمدیده مورد تأکید اثر عبدالواسع نظامی قرار گرفته است و از جانب آقای نجیب هروی نیز با عناوین ویژه ای از هم تفکیک شده اند.

راجع به سودمندی اثر آقای نجیب هروی می توان صفحه های زیادی پرکرد. این همه گواه بر آن است که

ایشان فرزانه ای ورزیده و کوشا و جدی و مجربند. از بخت بد ما به سایر آثار آقای هروی دسترسی نداریم. آشنائی با نوشته های ایشان باعث خرسندی ما و موجب وسعت پذیرفتن روابط فرهنگی تاجیکستان و ایران و افغانستان میگردد.

نخستین پژوهشگری که از موجودیت نسخ دستنویس «مقامات جامی» عبدالواسع نظامی مزده داده و از آنها استفاده به عمل آورده بود جامی شناس ورزیده شوروی «یوگنی ادواردویچ برتلس» Yergeny Eduardovich Bertels میباشد. او برای اولین بار در رساله «جامی» خود (چاپ دوشنبه، ۱۹۴۸) بخاطر روشنی انداختن به شرح حال و تعیین آثار عبدالرحمان جامی اطلاعات عبدالواسع نظامی را مورد کاربرد قرار میدهد. سپس مواد «مقامات مولوی جامی» در نوشته های عبدالنبی ستارزاده، سلطان واحدوف، کمینه (دکتر افصح زاد) و دیگران به طور وسیع استفاده شدند. اما ما تنها از وجود دو نسخه آن یعنی نسخ دوشنبه و تاشکند آگاه بودیم. و بنده شخصاً آشنائی ام را با نسخه سمرقندی «مقامات مولوی جامی» مدیون آقای نجیب هروی هستم که در تهیه متن از آن استفاده فراوانی شده است. «عقلها را عقلها یاری دهند».

یکی از بخشهای ارزشمند «مقامات جامی» فصل «تعلیقات و ارجاعات» است. همانا بخش مزبور نمایانگر تسلط علمی ناشر است. ناشر محترم در این بخش به توضیح نکته های ناروشن متن کوشیده با کمال دقت آیات قرآن، احادیث نبوی و منابع اشعار، گفتار شخصان (شخصیت های) تاریخی، هویت آدمانی (آدمهائی) را که ذکرشان در متن رفته است معین نموده و به این طریق به ارزش علمی کتاب افزوده است. خود این بخش حکم یک پژوهش جداگانه ای را داراست. شرح واژه ها و عبارات و جمله های عربی، فهرست آیات قرآن، فهرست احادیث و اخبار و اقوال، فهرست ابیات به ویژه فهرست واژگان معارف دینی و عرفانی، نظام دیوانی و اجتماعی و نوادر

لغات و ترکیبات و فهرست لغات و ترکیبات غریب که نتیجه زحمت زیاد ناشر است ارزش خاص علمی مالک بوده به اهمیت کتاب افزوده است.

آقای نجیب هروی به خاطر معرفی اشخاص تاریخی سده ۹ هجری با استفاده از مدارک تاریخی و کتابهای ادبی و آثار ایشان هویت آنها را معین کرده است. نوشته های او دائر به محمدابن الحسن ابن عبدالله ابن طواس ابن هرمز الشیبانی، مولانا قطب الدین عبدالله امامی، مولانا ضیاء الدین یوسف پور مولوی عبدالرحمان جامی، محمدابن محمد ابن محمود البخاری (معروف به خواجه پارسا)، مولانا جنید اصولی و سائر استادان جامی، مولانا کمال الدین شیخ حسین، مولانا یوسف اوبهی، مولانا عبدالغفور شیرازی، سید اصیل الدین واعظ، شیخ رکن الدین علاء الدوله سمنانی، خواجه صائن الدین ترکه، کمال الدین حسین واعظ سبزواری، مولانا شهاب الدین عبدالله سلطانی، خواجه کمال الدین قاوان و غیره هرکدامی خود حکم یک مقاله دایرة المعارف را دارند. مطالعه مقالات مذکور خواننده را با زندگی و فعالیت اشخاص نامیرده آشنا میکند. چون آقای نجیب هروی در تهیه آثار مجرب است و ساکن مرکز علم و فرهنگ کل مردم پارسی گو می باشد در اجرای این کار موفق بوده است. برای اثبات این گفته مثالی می آرم.

بنابه گفته تذکره نگاران معاصر جامی معلوم میگردد که خواجه مسعود قومی در سلک شعرای بنام سده نهم هجری قرار داشته است. ما به جز چند تکه پراکنده ای از اشعار خواجه مسعود که در جُنگها و ردائف الاشعار و تذکرات آمده اند از او چیز دیگری نمیدانستیم. آقای هروی در شرح خواجه مسعود ترکمان (ص ۳۰۶-۳۰۹) از زندگی این نویسنده، نگاشته راجع به آثار او «شمس و قمر»، «تیغ و قلم»، «یوسف و زلیخا»، «تاریخچه»، «دیوان اشعار» و حجم و محتوای آنها معلومات داده است. و آنجا ذکر کردی از آن مسعود رفته که شمس و قمر، یوسف و زلیخا، و اشعار موجود خواجه مسعود از جانب آقای سیدعلی آل داود تهیه

و چاپ شده اند.

مقالات «محمدابن محمدابن محمود البخاری» (ص ۲۷۸-۲۸۰)، «شیخ رکن الدین علاء الدوله سمنانی» (ص ۲۹۳-۲۹۴)، «خواجه صائن الدین ترکه» (ص ۲۹۸) و امثال اینها نیز شایان تحسین و تمجیدند.

چند سال پیش پدر آقای نجیب هروی آقای مایل هروی که کمینه را با ایشان دوستی دیرینی است گفته بود که پسرش نجیب در نشر «رساله کبیر در «معما»ی جامی اقدام کرده است. ولی در بخش توضیحات مقامات جامی از این کار ذکر نرفته است. اما از بخش «مشخصات مآخذ» معلوم میشود که آقای نجیب هروی در نشر و طبع آثار بزرگان گذشته پارسی گو و عرب گفتار شخص پرکار و سابقه داری بوده است. الاصول العشره نجم الدین کبری، الجانب الغربی فی حل مشکلات الشیخ محی الدین ابن العربی، شیخ مکی. چهل مجلس سمنانی، در شهبستان عرفانی، رسایل ابن العربی، شرح فصوص الحکم حسین خوارزمی، مجموعه آثار فارسی تاج الدین اشنوی و... از جمله آثاری اند که از جانب آقای هروی به زبانهای فارسی و عربی به چاپ آماده شده اند. ولی صد دریغ که هیچ کدام از این آثار گرانبها را کمینه گیر نیاورده ام و سعادت مطالعه آنها نصیب من نگشته است. ولی تقصیر از این جانب نیز نیست، بلکه جدائی و دوری ما را بدین حال افکنده است.

سال ۱۹۸۹ در دوشنبه فهرستی تحت عنوان «عبدالرحمان جامی» به نشر رسیده بود. فهرست مذکور عناوین آثار جامی و اثرهای جامی شناس را که طول سالیان ۱۹۱۷-۱۹۸۸ در اتحاد شوروی سابق به طبع رسیده بودند فرا گرفته است. در انطباق با نامگوی آن فهرست در شوروی سابق ۱۲۷۰ عدد کتاب و مقالات به کل زبانهای مردمان کشور نشر شده اند. در فهرست مزبور ذکر گشته که اثر عبدالواسع نظامی «مقامات جامی» سال ۱۹۲۷ در مجله «معارف و مدنیت» (ماههای مارس و آوریل) با دیباچه استادان دانشگاه دولتی تاجیکستان سلطان واحدوف و

تکرار نمی‌کرد. مثلاً در مورد «شرح بیت خسرو دهلوی» مینویسد:

«گزارشی است در بیت زیر از امیر خسرو دهلوی:

ماه نوی کاصل وی از سال گذشت

گشت یکی ماه به ده سال راست» (ص ۳۳۸۰)

اولاً اگر جناب نجیب هروی آن رساله جامی را میدید میدانست که آن شرح بیت امیر خسرو از قصیده «مرعات الصفا» است که بدین گونه است:

ز دریای شهادت چون نهنگ لا برارد هو

تیمم فرض گردد نوح را در وقت توفانش

بعداً حین چاپ سهوی رفته که جای «راست» واژه «گذشت» آمده و از حسن بیت خیلی کاسته است. و یا بهر مثال تاریخ تدوین دیوان دوم جامی واسطه العقد را آقای هروی مثل اکثریت ۸۸۵ هجری دانسته است (ص ۳۴۳).

ما توسط مواد خود دیوان دوم جامی ثابت کرده ایم که تدوین اثر مذکور سال ۸۸۵ شروع شد، سال ۸۹۴ انجام پذیرفته است (اعلاخان افصح زاد جامی ادیب و متفکر. دوشنبه، انتشارات عرفان، ۱۹۸۹، ص ۲۱۷-۲۱۹) همچنین «لوامع» و «شرح قصیده میمه» (ص ۳۳۷-۳۳۸) اثری یگانه بوده، «تعلیم ذکر» در اصل «رساله شرایط ذکر» عنوان داشته است. و رساله مذکور با نامهای «رساله طریقه نقشبندیه» و «رساله طریقه خواجگان» نیز معروف بوده است. سال ۱۹۵۳ میلادی آن در کابل با نام «رساله سررشته» نشر شده است. این ایرادها نه به خاطر آن ابراز شدند که از اهمیت زحمت آقای نجیب هروی کاسته شود بلکه منظور تنها فراخواندن به مشارکت و کسب آگاهی از کارهای همدیگر بود.

در آخر می‌خواهم از آن ابراز تأسف نمایم که هنگام نشر، چاپخانه به اشتباهات زیادی راه داده است. با وجود این باید اقرار کرد که ارمان ارزنده آقای نجیب هروی چون جرعه آب زلال رود هریواکامها را شاداب می‌گرداند.

در امور پرزحمت به او توفیق خواهانیم. ■

عبدالبی ستارزاده چاپ شده بود. راجع به همین اثر عبدالواسع نظامی، رساله مخصوص سلطان واحدوف و مقالات زیادی نیز به اختیار پژوهندگان گذاشته شده اند. متأسفانه آقای نجیب هروی از آثار مذکور حرفی نمی‌آورد و به احتمال زیاد از آنها اطلاعی نداشته است. این ناآگاهی ناشی از عدم روابط علمی میان ایران و افغانستان و تاجیکستان میباشد که امید است در آینده برطرف گردد.

زمان تألیف رساله موسیقی جامی مشخص نیست. خود جامی نیز در این باره چیزی نمی‌گوید. ولی پس از مطالعه دیباچه مؤلف میتوان حدس زد که او هنگام نگارش اثر مردکهنسالی بوده است. به جز این جامی اشاره ای دارد که رساله خود را پس از آفرینش رساله کمال الدین بینائی به رشته تحریر کشیده است. تاچندی قبل تاریخ تألیف رساله بینائی نیز معلوم نبود. پژوهشگر تاجیکستانی آقای عبدالغنی میرزایف با دلایل و حقایق معتمد تاریخ تألیف اثر مزبور را سال ۱۴۷۵ میلادی یعنی ۸۸۰ هجری شمسی تعیین کرده بود. دو سه سال قبل جناب دانش پژوه رساله موسیقی بینائی را نشر کرده ضمناً تاریخ تألیف آن را سال ۸۸۸ هجری میداند. بنابراین ذکر آقای نجیب هروی راجع به آن که رساله موسیقی جامی سال ۸۹۰ نوشته شده، به حقیقت قرابت دارد. هرچند او برای اثبات گفته اش سند و مدرکی نمی‌آورد. من تا حال سنه مرگ برادر عبدالرحمان جامی مولانا محمد را جانی ندیده بودم. ولی طبق قرینه ها آن را سال ۸۷۷ حدس زده بودم. آقای هروی نیز اشاره به این تاریخ دارد منتها آن را یازده سال پیش از مرگ جامی میداند که آن نه ۸۷۷ بلکه ۸۸۷ میشود.

کمیته پیش از سی سال است که مشغول پژوهش و انتشار آثار مولانا جامی هستم که تا امروز آنها را چه به حروف سیریلیک و چه در اصل به طبع رسانده ام. همچنین راجع به زندگی، آثار، تحولات و افکار و جهانی بینی و هنر نگارندگی جامی هفت رساله نوشته ام که از موجودیت آنها نیز آقای هروی اطلاعی نداشته است. وگرنه اشتباه اسلاف خود را